

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



## امید ایران به انتخابات عراق

ایران که در سطح منطقه تضعیف شده، قصد دارد منافعش در عراق را مستحکم کند. عراق پس از حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، یکی از لنگرگاه‌های نفوذ منطقه‌ای ایران شده است. تهران از طریق احزاب شیعه در بغداد اعمال قدرت می‌کند که در انتصاب نخست‌وزیران، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند، از جمله نخست‌وزیر کنونی، محمد شیاع‌السودانی. متحدان مسلح این گروه‌ها نیز در این زمینه نقش دارند. احسان الشماری، تحلیلگر سیاسی به‌فرانس‌پرس می‌گوید: «تا زمانی که متحدان تهران قدرت تصمیم‌گیری را در اختیار دارند، تهران نفوذش را حفظ می‌کند.» عراق سال‌هاست مشغول روند سختی برای توازن بین تهران و واشنگتن بوده است و مدت‌هاست بستری مناسب برای نبردهای نیابتی به حساب آمده. گروه‌های حامی ایران، اوایل جنگ غزه، مسئولیت حمله به مواضع ایالات متحده در عراق را پذیرفتند. این حملات با حملات تلافی جویانه آمریکا منجر شدند. بعدتر این گروه‌ها وارد جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نشدند، حتی پس از اینکه واشنگتن به بمباران پیوست. منتقد داغر، تحلیلگر و مدیر «مؤسسه مستقل مطالعات مدیریت و جامعه مدنی»، می‌گوید: «ایران دیگر در موضعی نیست که شرایط را تحمیل کند؛ اما معایش این نیست که سعی نخواهد کرد اعمال نفوذ کند.» در انتخابات عمومی ۲۰۲۱، جریان مقتدی صدر، روحانی بانفوذ شیعه بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد، اما بعد از پارلمان کناره‌گیری کرد. مجلس حالا تحت کنترل «چارچوب هماهنگی» است، ائتلافی هم‌راستا با ایران که سودانی را به قدرت رساند. این بار، صدر حاضر به مشارکت در انتخابات نشده، آن را «انتخابات معیوب، تحت سلطه منافع فرقه‌ای، قومی و حزبی» خوانده و از هوادارش خواسته‌رای‌گیری را تحریم کنند. با این حال، به‌نظر می‌رسد اشتیاق برای شرکت در انتخابات روبه‌افول است. اندیشکده چتم‌هاوس پیش‌بینی کرده است که «ممکن است مشارکت در این انتخابات به پایین‌ترین سطح خود پس از سال ۲۰۰۳ برسد.» این انتخابات، ششمین انتخابات پس از آن است که حمله به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳، صدام حسین را سرنگون کرد. این اندیشکده می‌افزاید: «عراقی‌ها به شکلی فراینده انتخابات را نه‌راهی برای اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها، بلکه اقدامی نمایشی می‌بینند که اثر اندکی بر حکمرانی دارد.» بیش از ۲۱ میلیون رأی‌دهنده واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند تا ۳۹ نماینده را انتخاب کنند. این راه را برای انتصاب رئیس‌جمهوری جدید ایجاد می‌کند، سستی که تا حد زیادی تشریفاتی است و نیز انتخاب نخست‌وزیری که پس از مذاکراتی طولانی برگزیده خواهد شد. در عراق، نقش نخست‌وزیر به‌شکل سنتی به شیعیان می‌رسد و ریاست‌جمهوری به کردها، در حالی که رئیس‌مجلس معمولاً سنی است. ناظران همچنین از نفوذ ایالات متحده می‌گویند. ابراهیم الصمدی، مشاور سابق سودانی می‌گوید: «امیلی واقعی در ایالات متحده هست که صحنه سیاست داخلی عراق را تغییر دهد.» تا نفوذ ایران را کاهش دهد، واشنگتن عراقی‌هایی را متهم کرده که به دورزن تحریم‌های آمریکا توسط تهران کمک می‌کنند و آن‌ها را تحریم کرده است. آمریکا همچنین با قراردادهایی در حوزه‌های نفت، فناوری و خدمات درمانی، حضور اقتصادی خود را تقویت کرده است. تمبردوی، تحلیلگر اندیشکده دفاعی بریتانیایی به نام «مؤسسه خدمات پادشاهی متحد»، به فرانس پرس می‌گوید: «صرف‌نظر از نتیجه انتخابات، واشنگتن انتظار دارد، نخست‌وزیر بعدی، گام‌هایی ملموس بردارد که نفوذ ایران را محدود کند. ایالات متحده نمی‌خواهد شاهد این باشد... که گروه‌های هم‌راستا با ایران، استقلال عملیاتی خود را حفظ کنند. این راه هم نمی‌خواهد ببیند که ایران از عراق به عنوان کانالی برای فروش دوباره فرآورده‌های نفتی یا حصول دسترسی به ارزهای احتیاطی استفاده کند.» به‌علاوه، واشنگتن همچنان حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نیرو را در عراق نگه داشته است، در کنار ۹۰۰ نفر دیگر در سوریه. این نیروها، به عنوان بخشی از ائتلاف بین‌المللی علیه داعش حضور دارند. مارک سوايا، نماینده ویژه تازه ایالات متحده در عراق، بر اهمیت «عراقی کاملاً مستقل» تأکید دارد، عراقی «آزاد از دخالت‌های مغرضانه خارجی، از جمله از سمت ایران و نیابتی‌هایش.» او ماه گذشته در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «هیچ جایی برای گروه‌های مسلحی که خارج از اختیارات دولت عمل می‌کنند، نیست.»



عکس: Gettyimages

# از کارتر تا ریگان

## پیامدهای تسخیر سفارت بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

### ▼ نکته‌های سیاسی

رخداد ۱۳ آبان، اولین تسخیر سفارت آمریکا هم نبود و این خود، زاویه دیگری به وقایع پس از ۱۳ آبان ۵۸ اضافه می‌کند. چندماه قبل از ۱۳ آبان ۱۳۵۸، و تنها سه روز پس از رسمیت‌یافتن پیروزی انقلاب و پایان سلطنت پهلوی در ایران، در روز ۲۵ بهمن، گروهی که طبق گزارش‌ها از «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» خوانده شده‌اند، به سفارت آمریکا حمله کردند. ویلیام سالیوان، سفیر وقت آمریکا با دولت موقت تماس گرفت و درخواست کمک کرد. وقتی خبر به گوش آیت‌الله [امام] خمینی، رهبر انقلاب رسید، دستور خروج بلافاصله مهاجمان از سفارت داده شد و ابراهیم یزدی مأمور عملی کردن این دستور شد. او به محل سفارت رفت و چریک‌ها را راضی به تحویل سفارت کرد. یزدی پیش از آن نیز مأموریت کمک به خروج آمریکایی‌هایی را داشت که در اوج روزهای انقلاب، در بهمن ۵۷، در معرض خطر مواجهه با خشم مردم باغیان سیاسی بودند و جانانشان در خطر دیده می‌شد. آن زمان، تصمیم این بود که چنین اقداماتی تنها جرمی نه‌تنها مطلوب نیست، بلکه باید فوراً متوقف شود. اما کمتر از یک سال بعد، زمانی که هنوز ساختار حکومت جدید و مستقر در ایران در حال شکل‌گیری بود، در تکانشی دوباره، جمعی از دانشجویان، دوباره تصرف سفارت را تکرار کردند. این بار حمله با حمایت ساختار رسمی حاکم همراه شد، دیپلمات‌های آمریکایی گرفتار شدند و به جای چند ساعت، ماجرا یک سال و ۲ ماه و ۱۹ روز، به طول انجامید.

### ▼ لانه جاسوسی یا سفارت معمولی؟

حمله‌کنندگان به سفارت در آن زمان و مدافعان فعلی آن اقدام، بر یک موضوع به عنوان علت اصلی آن چه «لژوم» انجام این اقدام خوانده می‌شود، تأکید دارند: سفارت ایالات متحده در ایران، نه سفارتی عادی که مرکز جاسوسی آمریکایی‌ها در تهران بود و کار هماهنگی و پیگیری اقدامات این چنینی را انجام می‌داد. به اعتقاد این گروه، برای پیشگیری از اقدامات احتمالی از قبیل کودتای دوباره آمریکا، خنثی کردن این مرکز خطر، لازم بود. این ادعا را از دو زاویه می‌توان بررسی کرد؛ اول، اصل موضوع جاسوسی در سفارت و دوم، راه حل مقابله با آن.

ادعای پیگیری امور مربوط به جاسوسی، از لحاظ اصل واقعیت محل مناقشه‌چندانی نیست؛ البته در کنار این واقعیت، این موضوع نیز مطرح است که اساساً سفارت‌خانه‌ها در کشورهای مختلف مسئولیت جمع‌آوری انواع و اقسام اطلاعات کشور میزبان و ارسال کردنش به کشور مبدأ را دارند. واقعیت امر این است که کشورهایی که در تقابل با یکدیگر هستند و در واقع، حتی کشورهایی که چنین نیستند، در حد توان تلاش می‌کنند، جمع‌آوری اطلاعات در خاک یکدیگر داشته باشند و در حدی که می‌توانند، بدانند کشور دیگر، فراتر از اخبار رسمی، چه می‌کند و چه در سر دارند. این همان چیزی است که جاسوسی خوانده می‌شود. پیگیری امور افراد مشغول به این کار، همان جاسوسان، جز در موارد خاص، از طریق سفارت‌خانه‌ها انجام می‌شود. تنها قسمت در سرزمین میهمان که می‌توان به آن دسترسی و در آن امنیت داشت، همین سفارت‌خانه‌ها هستند. این موضوع، تا حدی زیادی برای حکومت‌ها روشن نیز هست، در واقع

سلسله‌پهلوی که البته عمر کوتاهی داشت، تنها نمونه انتقال قدرت از شاه به ولیعهد، یا تصمیم خارجی‌ها رخ داده بود. رضاشاه پهلوی، هنوز زنده بود که در بازی قدرت‌های بزرگ، برکناری اش کلید خورد، به خارج از ایران تبعید شد و پسرش به جایش نشست. انقلابیون ۵۷، میچ دل خوشی از رضاشاه نداشتند، اما اصل این حقیقت برایشان ناخوشایند بود که حاکم وقت ایران با تصمیم خارجی‌ها از کشور بیرون شد. اصلاً این مسئله را هم از برگه‌های تارک کارنامه سلسله پهلوی می‌دیدند؛ سلسله‌ای که آنقدر در معرض خواست خارجی‌ها قرار داد که رفتن پدر و بر کرسی نشستن پسر را هم پایتخت‌های دیگر تعیین می‌کردند.

این سوابق، باعث نگرانی عمیقی در میان انقلابیون بود. آن‌ها می‌ترسیدند بار دیگر، قدرت‌های جهانی و در آن مقطع، در رأس‌شان آمریکا، آنچه حاصل شده بود را بر هم زده و ۲۸ مردادی دیگر راه بیاندازد؛ گرچه مرور تاریخ آن زمان حاکی از این است که دولت رئیس‌جمهور جیمی کارتر، عملاً با این حقیقت کنار آمده بود که شاه خواهد رفت و حکومت دیگری متشکل از مخالفانش بر سر کار خواهد آمد. روایت اسنادی که سال‌ها بعد منتشر شد می‌گوید مقامات دولت کارتر، حتی پیش از نهایی شدن سقوط پهلوی و پیروزی انقلاب، با ابراهیم یزدی به عنوان نماینده انقلابیون، دیدار و مذاکره کرده بودند، قول‌هایی داده و وعده‌هایی گرفته بودند؛ اما انقلابیون ایران با همین سابقه و نیز فهرست طولانی کودتاها و دخالت‌های آمریکا در سراسر دنیا، نگرانی جدی از این داشتند که آمریکا همه‌رشته‌هایشان را پنبه کند. این شوخی معروف آن روزها در دنیا بود: «چرا هیچ وقت در آمریکا کودتا نمی‌شود؟ چون آمریکا در آمریکا سفارت ندارد.» صدور قطعنامه‌ای علیه ایران در ماه مه ۱۹۷۹، برابر با اردیبهشت ۱۳۵۸ که به محکومیت اعداد در ایران می‌پرداخت هم در این بدبینی اثر داشت. اما اتفاق مهم‌تر، پذیرش حضور محمدرضا پهلوی در آمریکا با توجیه درمان بیماری او بود. این ماجرا باز انقلابیون را نگران کرد که شاید واشنگتن در تدارک کنشی برای بازگرداندن شاه به قدرت است؛ هر چند بعدتر مشخص شد که شاه، واقعاً بیماری جدی داشت. کمتر از دو سال پس از انقلاب هم همین بیماری و البته احتمالاً ضربه ناشی از سرنگونی، او را از پا در آورد.

باز برای مشخص کردن زمینه تاریخی ماجرا، دانستن این نکته تاریخی نیز خالی از لطف نیست: به گزارشی از اندیشکده آمریکایی رند که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، در دهه ۷۰ میلادی، در فاصله بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰، یعنی دهه‌ای که انقلاب ایران در پایان آن رخ داد، ۴۳ نمونه تصرف سفارت و ۵ نمونه اقدام ناکام به این کار در جهان رخ داده بود. در مقدمه این گزارش، رند تصریح می‌کند: «تصرف سفارت‌خانه‌ها، در دهه ۱۹۷۰ به شکلی مرسوم از اعتراض و اجبار تبدیل شده بود.» موضوع در آن مقطع، حتی منحصر به سفارت‌خانه‌ها و دیپلمات‌ها نیز نبوده است: «تاکتیک تصرف سفارت‌خانه‌ها، از ربابش هواپیماها و آدم‌ریایی‌های سیاسی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ ریشه گرفت.» این گزارش داده‌های دیگری نیز دارد اما در مجموع، مشخص می‌کند که اقدام به تصرف سفارت، اقدامی بدیع و ناشناخته نبوده است و اشاره می‌کند که حتی گاهی خواسته‌های تصرف‌کنندگان برای آزادی گروهان‌ها و ترک سفارت، نه از دولت مبدأ که از دولت میزبان بوده است.

### اساساً سفارت‌خانه‌ها

### در کشورهای مختلف

### مسئولیت جمع‌آوری

### انواع و اقسام اطلاعات

### کشور میزبان و

### ارسال کردنش به

### کشور مبدأ را دارند.

### واقعیت امر این است

### که کشورهایی که

### در تقابل با یکدیگر

### هستند و در واقع،

### حتی کشورهایی که

### چنین نیستند، در حد

### توان تلاش می‌کنند،

### جمع‌آوری اطلاعات در

### خاک یکدیگر داشته

### باشند و در حدی که

### می‌توانند، بدانند کشور

### دیگر، فراتر از اخبار

### رسمی، چه می‌کند و

### همان چیزی است

### که جاسوسی خوانده

### می‌شود. پیگیری امور

### افراد مشغول به این

### کار، همان جاسوسان،

### جز در موارد خاص، از

### طریق سفارت‌خانه‌ها

### انجام می‌شود

### روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی



نزدیک به نیم قرن است که ۱۳ آبان، یادآور واقعه‌ای است که برای بیش از ۴۰ دهه، ساختارهای سیاست خارجی ایران را شکل داد. تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، شکلی از تقابل را بین ایران و ایالات متحده و به تبع آن بین ایران و غرب کلید زد که همچنان کم‌وبیش با فرازونشیب‌هایی به همان شکل دنبال شده است. هرزگاهی گام‌هایی در جهت رفع این چالش برداشته شده است که البته همه بی‌نتیجه مانده‌اند. تقابل با ایالات متحده، در همان سال‌های پیش از انقلاب، انگیزه شکل‌گیری بسیاری از تحرکاتی بود که در نهایت در انقلاب ۱۳۵۷ جمع شدند. غیرمنتظره نبود که مقامات حکومت تازه ایران روی خوشی به ایالات متحده نشان ندهند؛ اما شکل قطع ارتباط بین ایران و آمریکا پس از آن ماجرا، لزوماً نتیجه بدبینی شکل‌گیری یک حکومت مخالف با ایالات متحده نبود.

### ▼ انقلابیون ضد آمریکا

انقلاب ایران حکومتی را ساقط کرده بود که دوستی نزدیک برای ایالات متحده بود و حمایت کاملی از سمت این کشور دریافت می‌کرد. به اعتقاد بسیاری، آمریکا در حد توان خود و در چارچوب محاسباتش، تا جایی که می‌صرفید تلاش خود را برای بقای حکومت شاه کرده بود و در نتیجه، موفقیت انقلابیون ایران در سرنگونی محمدرضا شاه پهلوی، موفقیت در مقابله با آمریکا نیز بود. به عبارت دیگر، این انقلاب اساساً «دست آمریکا را کوتاه کرده بود». کسی توقع نداشت مقامات دولت تازه ایران، رابطه‌ای مثل قبل با ایالات متحده داشته باشند. آن‌ها مایل به «کوتاه کردن دست» هر دو قدرت مهم جهانی از ایران بودند، با شعار «نه شرقی، نه غربی».

این بی‌اعتمادی منشأ تاریخی نیز داشت. مجسرای معروف کودتای ۲۸ مرداد، سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران، شکست دوباره مشروطه‌خواهی و بازگشت شاه اقتدارگر به اوج قدرت نیز در کارنامه روابط تهران و واشنگتن بود. به اذعان صریح مقامات ایالات متحده در طول سالیان، سازمان سیا، کودتایی در ایران علیه مصدق ترتیب داد که منجر به حذف و حصر او و بازگشت تاریخ به نقطه پیشین شد. این مسئله در ذهن نسل‌های ایرانی حک شد و شکست مصدق، بر روان جمعی آن‌ها اثر سنگینی گذاشت. انقلاب ۵۷، فقط ربع قرن پس از این حادثه رخ داده بود، حدود ۱۲ سال پس از درگذشت مصدق در حصر خانگی. سابقه داستان، در ذهن انقلابیون بسیار زنده بود.

### ▼ خاطرات تلخ دخالت خارجی

به علاوه، ایرانیان خاطرات تلخی از سلطه و دخالت خارجی‌ها، به‌خصوص قدرت‌های جهانی در سرنوشت خود داشتند. شاید برجسته‌ترین آن‌ها، بلایی بود که در حاشیه جنگ جهانی دوم با نقش‌آفرینی بریتانیا و روسیه بر سر ایران آمد. از سوی دیگر، در